

سخن مدیر مسئول

تقدیم به روح بلند استاد فقید علی اکبر غفّاری

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. برای یک جامعه، بهترین عامل پیشرفت و تکامل معنوی «دین» است؛ اگر صحیح آن‌گونه که خداوند حکیم می‌خواهد، عرضه شود. و هم بدترین عامل سقوط و نابودی «دین» است؛ اگر سلیقه‌های بشری در آن دخالت کند و هرکسی با توجیه خود، کلامی به میل خود بدان نسبت دهد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) از این پدیده، بدین عنوان تعبیر می‌کند که اسلام را همچون «پوستین وارونه» برتن کرده‌اند (نهج البلاغه، خ ۱۰۷) بدین معنا که احکام و تعالیم اسلام را تحریف کنند تا جایی که تنها اسمی و ظاهری و شعاعی از آن، برجای ماند. (نک: فی ظلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۴۰)

۲. مداخله سلیقه‌ها و هوسهای بشری در حریم دینِ الهی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. این کار، از روزگاران کهن تا کنون، «بدعت در دین» را پدید می‌آورده که پیشوایان معصوم (علیهم السلام) همواره با شدیدترین هشدارها، مردم را و جوامع را از آن بر حذر می‌داشته‌اند و به آنان تذکر می‌داده‌اند که به محض دیدن نخستین نشانه‌های آن، به هوش باشند.

ائمّه (علیهم السلام) گاه در کلام خود گفته‌اند: «هیچ عاملی مانند بدعت، دین را به فساد نمی‌کشانند.» گاهی «رای شخصی و هوای نفسانی و قیاس بشری» را «عامل نابودی دین» شناسانده‌اند. گاه به مردم تذکر داده‌اند که از «آغاز روی دادنِ فتنه‌ها» بر حذر



باشند که چیزی نیست جز «احکامی که بدعت نهاده می شود و هوسهای نفسانی که از آن پیروی کنند؛ آراء و هوسهایی که در آنها با کتاب خدا مخالفت شود.» (کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱) و دهها عنوان در این زمینه که در این گفتار کوتاه نمی گنجد.
۳. ماجرای بدعت گذاری در دین، ماجرای است به قدمت تاریخ حیات انسان؛ از روزی که:

□ انسان بوده، با اختیاری که می تواند به سوی بدی رود؛
□ دین بوده، که از ناحیه خدای حکیم برای راهنمایی انسانها فرود آمده؛
□ عوامل نفسانی (مانند هواپرستی و ریاست طلبی و استکبار) در میان بوده که در پی آن، ساخته بشری را به نام دین حق به مردم بشناسانند.
از همان روزها، بدعت، پا به پای دین پیش آمده است و تاروی که شجره طیبه دین بر پاست - یعنی تا قیام قیامت - همواره، آفتی به نام بدعت، در این درخت آسمانی جای می گیرد که باید آن را زدود. برای همین آفت زدایی است که رسول رحمت ﷺ، خبر می دهد که در هر نسلی، حجت های الهی هستند که تأویلهای باطل و تحریفهای ناروا را از دین می زدایند تا دین خدا، صحیح و بی غلط، برای جویندگان راه درست و دین استوار (صراط مستقیم و دین قویم) روشن باشد.
(وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۱)

۴. مدتی است که در بیان فرهنگ مداران، «ضرورت مبارزه با تحریفها و خرافات» مطرح می شود. این رویکرد، بسی خجسته است به شرط آنکه با راهکار مناسب و درست اجرا شود. البته قبل از همه، بهتر است به جای «مبارزه با خرافات»، از «تبیین خرافات» سخن گوئیم و راه قرآن را بپوییم که فرمود:

لا إكراه في الدين، قد تبين الرشد من الغي. (بقره (۲) / ۲۵۶)

إنا هدينه السبيل، إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَافِرًا. (انسان (۷۶) / ۳)

«تبیین»، جنبه عطوفت و مهربانی دارد که انسان را بهتر به خود می کشاند. در هر



حال، برای تبیین خرافات و تحریفات، باید به این نکته مهم توجه شود که بخشی عمده از اجزاء تشکیل دهنده خرافات، «حقایق قطعیه» اند که به دلیل «همراهی با مطالب سست و نادرست»، به جهت‌گیری غلط می‌انجامند.

خرافه، هیچ‌گاه بر مبنای مطلب جعلی یا هدف دروغین، شکل نمی‌گیرد؛ بلکه هدفی را ادعا می‌کند که در نفس خود، هدفی مقدس و حقیقتی استوار است؛ اما با رویکردی خاص که به خرافه و تحریف می‌رسد. پس در اینجا باید با نگاهی «کلان‌نگر» به پدیده خرافه نگرست، نه «خردنگر». در نگاه خرد، برخی از اجزای خرافه و حقیقت، به هم شباهت دارند. بدین روی، باید به کل دیوار بنگریم نه آجرهای آن. کسی که دیوار کج را توجیه و تبلیغ می‌کند، آجرهای سالم آن دیوار را به رُخ دیگران می‌کشد؛ اما عاقل آن است که به جای توجه به تک‌تک آجرها، به کل دیوار بنگرد که آیا راست است یا کج؟! و بر این مبنا، حکم کند.

۵. سؤال اصلی این است که: «دیوار، راست است یا کج؟» کج بودن دیوار را چگونه باید فهمید؟ کسی که دیوار راست را نمی‌شناسد و ندیده است، چگونه بفهمد که دیواری کج است یا نه؟ برای این کار، به کمک وسیله‌ای مانند شاقول باید دیوار راست را بشناسد. اگر وسیله‌ای مانند شاقول به کار گرفته نشود، چگونه می‌توان فهمید که دیوار، کج است؟! جان‌کلام همین جاست: ما برای اینکه «خرافه بودن خرافه» را ابتدا خود بشناسیم و سپس به دیگران بشناسانیم، چه ابزاری درست کرده‌ایم و چه ابزاری به دست دیگران داده‌ایم؟

هشدارهای فرهنگ‌مداران در مورد ضرورت شناسایی و تبیین خرافه و تحریف، بسیار پسندیده و ضروری است؛ اما در مرحله تعیین اهداف کلی برنامه‌ها و دیدگاههای فرهنگی. ولی هر هدف کلی، راهکارهایی مناسب خود را در مرحله اجرا می‌طلبد. یکی از این راهکارها، شناختن و شناساندن حقیقت است تا مانند شاقول به دست گیریم و خرافه را باز شناسیم.

۶. گام نهادن در مسیر راهکارها، کاری دشوار و دراز مدت است که به عواملی همچون: دقت، حوصله، ژرف‌نگری و دورنگری نیاز دارد و مهم‌تر از همه، به معیارهای صحیح نیازمند است. در این مجال کوتاه، می‌خواهیم فقط به عامل اخیر بپردازیم؛ گرچه تمام آن عوامل، جای بررسی دارند.

«معیارهای صحیح در فهم دین» را از کجا باید فراگرفت تا به عنوان ضابطه در اختیارمان باشد و بر اساس آن، خرافه‌ها و تحریف‌ها را باز شناسیم؟ بر مبنای توضیحاتی که در سرمقاله‌های پیشین آمده، «کتاب کافی» یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت این معیارهاست که با نگاه فقه‌ای - به معنای جامع و صحیح کلمه - یعنی با تقوای علمی و فکری، می‌توان بیشترین بهره را از آن گرفت. این کلید نه تنها درهای قدیمی که درهای جدید را نیز می‌گشاید.

دقت کنیم که زایش خرافات، روندی پیوسته است که همیشه ادامه دارد؛ گرچه لباس نو بر تن کند و نام «بازنگری فکری» بر خود نهد. حقایق فطری که در احادیث کتاب شریف کافی نهفته، مبتنی بر عقل سلیم و مبین قرآن و سنت صحیح است؛ با چنان قدرت علمی که همواره می‌توان بر مبنای آن «شاقولهای علمی» ساخت و دیوارهای کج خرافه و تحریف را باز شناخت.

۷. ساختن این شاقولها، به نیازشناسی، مسئله‌شناسی، مخاطب‌شناسی و همراه آن، به دردمندی و دقت و حوصله نیاز دارد. مشکل ما درون‌مایه منابع نیست، چرا که غنی‌ترین منابع را در اختیار داریم. ولی نوع نگاه ما به آن منابع باید متناسب با نیازهایمان باشد. در برابر دیدگاههای التقاطی، برخوردی صحیح با هدف تبیین مسائل، بر مبنای احادیث کافی - در زمینه‌های عقاید، اخلاق، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، آینده‌شناسی، مسائل اجتماعی، فروع احکام، تاریخ اسلام و موارد دیگر - انجام شده که تجربه‌های آنها، غنای این کتاب شریف را در مواجهه با انواع مسائل نشان می‌دهد؛ ولی آن تجربه‌ها به همان عوامل نیاز دارد که یاد شد. کیست



که در این غوغای رقابت کَمِیتها و دنیاطلبی های رنگ و وارنگ، به این مهم بیندیشد؟! کیست که از این خوان گسترده الهی، لقمه هایی برای نسل جوان آسیب پذیر و سرنوشت ساز برگیرد تا آنان، گرسنگی فکری خود را با غذاهای آماده آلوده و مسموم، برطرف نکنند؟!

۸. آیا چنین نگاهی به منابع نقلی، به معنای تعطیل عقل است؟! سخن در این است که حکم عقل، رجوع به منابع نقلی و تسلیم در برابر آن است؛ چراکه عقل و نقل، هر دو، حجت های خدایند بر مردمان. و این حجت ها، همواره، با هم پیوسته و همراه اند. بهتر آن است که در اینجا، سخن فقیه اصولی بزرگ، میرزا ابوالقاسم قمی - صاحب کتاب قوانین الاصول - را بیاوریم. آن بزرگ مرد میدان اندیشه و عمل - که در آستانه دویستمین سالگرد وفات او هستیم - در ضمن نصایح علمی خود می گوید: «تخلیه و مبرا کردن نفس در اینجا بسیار صعب است، چرا که هیچ لذتی در دنیا فوق لذت ادراک نیست. و هیچ مایه دنیایی فریبنده تر از علم نیست. از همه چیز زودتر، آدمی را هلاک می کند. و ادراک، هرچه دقیق تر و لطیف تر باشد، فریبنده تر است. بسیار مرد بزرگی می خواهد که بعد (از) مجاهده بسیار، مطلبی را بفهمد و منظم کند، و به مجرد اینکه کلامی از معصوم به او برسد، از فکر خود دست بردارد، و به حقیقت کلام معصوم عمل کند. بلکه چون امر او مردد بین المحذورین می شود، سعی مالا کلام مبذول دارد که میانه آنها جمع کند. چون کلام خود را، دل نمی گذارد که دست بردارد، کلام معصوم را تأویل می کند. فهم و ذهن و شعور وقاد، مایه امتحانی است به جهت انسان، که در هر زمانی، دینی می توان به اثبات آورد با ادله تمام. و سخت شبیه است ذهن وقاد به صورت بسیار خوب، که حق تعالی کسی را بسیار خوش صدا کرده باشد، و می گوید که عنا مکن که حرام است.

پس هر چند افلاطون را به شاگردی قبول نداشته باشی، و ابوعلی را خوشه چین



خرمن خود ندانی، همین که یک حدیث از معصوم به تو رسید و دانی که از معصوم است، همان جا بایست و بسیار اجتهاد و سعی کن تا تخلیه کامل کنی، و از خدا بخواه که راهنمایی به حقیقت بکند.»^۱

۹. مدینه فاضله حیات بشر، ظهور آن امام موعود است که دین را بدون کثی و ناراستی به بشر عرضه می‌کند و حقایق دین را به آنها می‌نمایاند، که عمده مقاومت‌های ناهلان و حق‌ستیزان در برابر حضرتش، از همین جا ناشی می‌شود. آن امام همام، «هوئ» را به «هدی» بر می‌گرداند و «رأی» را به «وحی»؛ در حالی که پیش از ظهور، به عکس آن عمل می‌شد.

۱۰. اگر باید برای آن روز باید انتظار بکشیم - که چنین باید - و اگر در آن روز باید در زمرة یاوران حضرتش باشیم - که چنین باید - پس بایسته آن است که از هم اکنون، در جهت شناختن دین صحیح بر مبنای منابع استوار همچون کتاب شریف کافی و آنگاه شناساندن آن به دیگران و سرانجام، تبیین راه درست از نادرست، بکوشیم تا زمینه درون و برون فرد و جامعه برای آن روز بی‌مانند آماده شود. بدان امید که هر چه زودتر، در باران آن لحظات آسمانی، درون جان را بشوییم و در پرتو ارشاد و هدایت امام مهدی هادی، در این وادی، ره سپاریم و چونان شمعی راه به دیگران نماییم. آمین یا رب العالمین.

۱. رساله رکنیه (به ضمیمه کتاب قم‌نامه)، به کوشش سید حسین مدرّسی طباطبائی، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی، ص ۳۶۶-۳۶۷.